

چهار شنبه 20 آبان 1405 - 05:55

وقتی بدقولی از یک رفتار شخصی به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود

بسیاری از روابط انسانی بر همین تعهدهای کوچک و بزرگ استوارند. افراد به یکدیگر اعتماد می‌کنند، برای آینده برنامه می‌ریزند و بخشی از مسئولیت‌های خود را بر اساس قول دیگران تنظیم می‌کنند.

بسیاری از روابط انسانی بر همین تعهدهای کوچک و بزرگ استوارند. افراد به یکدیگر اعتماد می کنند، برای آینده برنامه می ریزند و بخشی از مسئولیت های خود را بر اساس قول دیگران تنظیم می کنند.

به گزارش خبرنگار مهر،قول دادن از ساده ترین رفتارهای روزمره انسان است؛ قولی برای بازپرداخت قرض، حضور در یک قرار، تحویل دادن کار در موعد مقرر، انجام مسئولیتی خانوادگی یا پایبندی به توافقی شغلی. بسیاری از روابط انسانی بر همین تعهدهای کوچک و بزرگ استوارند. افراد به یکدیگر اعتماد می کنند، برای آینده برنامه می ریزند و بخشی از مسئولیت های خود را بر اساس قول دیگران تنظیم می کنند. اما وقتی وعده ای بدون دلیل موجه نقض می شود، پیامد آن همیشه به همان فردی که بدقولی کرده محدود نمی ماند؛ ممکن است وقت، پول، اعتبار یا فرصت های دیگران نیز از بین برود. از همین رو، وفای به عهد در آموزه های اسلامی فقط فضیلتی فردی نیست، بلکه با عدالت، اعتماد عمومی و مسئولیت پذیری اجتماعی ارتباط مستقیم دارد.

قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره اسراء می فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛ به عهد وفا کنید، زیرا از عهد پرسش خواهد شد. این آیه، وفای به تعهد را در کنار مسئولیت انسان در برابر رفتارهایش قرار می دهد. همچنین در آیه نخست سوره مائده، مؤمنان به وفای به قراردادها و تعهدات فراخوانده شده اند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ». کنار هم قرار دادن این آموزه ها نشان می دهد که تعهد در منطق اسلامی، امری بی اهمیت یا صرفاً وابسته به سلیقه افراد نیست؛ انسان باید نسبت به قول ها و قراردادهایی که بر عهده می گیرد، مسئولانه رفتار کند. البته از نظر فقهی باید میان وعده اخلاقی، قرارداد الزام آور، شرط ضمن عقد و عهد شرعی تفاوت گذاشت؛ زیرا حکم و آثار هرکدام یکسان نیست.

در گفتار روزمره، واژه های «وعده»، «عهد» و «قرارداد» گاهی به جای یکدیگر به کار می روند، اما در فقه معانی متفاوتی دارند. وعده معمولاً اعلام قصد انجام کاری در آینده است؛ مانند اینکه فردی به دوست خود بگوید فردا برای کمک به او خواهد آمد. قرارداد، توافقی است که با رعایت شرایط قانونی و شرعی می تواند برای طرفین تعهد ایجاد کند؛ مانند قرارداد اجاره یا خریدوفروش. عهد شرعی نیز در اصطلاح فقهی، شرایط ویژه ای دارد و صرف گفتن هر جمله ای درباره آینده، لزوماً آن را به عهد شرعی تبدیل نمی کند.

این تفکیک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نباید همه موارد بدقولی را از نظر حکم شرعی یکسان دانست. نقض یک قرارداد معتبر ممکن است موجب مسئولیت حقوقی و الزام به انجام تعهد یا جبران خسارت شود؛ اما حکم یک وعده اخلاقی معمولی به جزئیات دیگری وابسته است. در فقه شیعه، درباره خلف وعده آمده است که احتیاط واجب آن است که فرد از خلف وعده و عمل نکردن به وعده خود اجتناب کند، مگر در مواردی مانند وجود عذر شرعی، تحقق نیافتن شرطی که وعده به آن وابسته بوده یا رضایت شخصی که وعده به نفع او داده شده است. بنابراین، نمی توان بدون توجه به نوع تعهد و شرایط آن، حکم واحدی درباره همه موارد بدقولی صادر کرد.

یکی از نکات مهم در این حکم، تفاوت میان وعده ای است که از ابتدا با قصد عمل کردن داده شده و وعده ای که فرد از همان ابتدا تصمیم دارد به آن عمل نکند. بر اساس همان منبع، اگر شخص هنگام وعده دادن قصد داشته باشد به وعده خود عمل نکند، چنین وعده دروغی حرام است؛ و در این حکم، وعده دادن به خانواده، همسر و فرزندان نیز از این جهت تفاوتی ندارد. این مسئله، اهمیت صداقت را در روابط نزدیک برجسته می کند. گاهی افراد تصور می کنند برای آرام کردن کودک، راضی کردن همسر یا پایان دادن به یک بحث، می توان وعده ای داد که از ابتدا قصد انجام آن وجود ندارد. اما چنین رفتاری ممکن است به تدریج اعتماد میان اعضای خانواده را تضعیف کند و به آنان بیاموزد که سخن یکدیگر را جدی نگیرند.

البته همه وعده های انجام نشده را نباید دروغ عمدی دانست. ممکن است فرد هنگام قول دادن واقعاً قصد انجام آن را داشته باشد، اما بعداً بیمار شود، با مانعی پیش بینی نشده روبه رو شود یا انجام تعهد برای او به طور غیرعادی دشوار شود. در چنین شرایطی، ارزیابی اخلاقی و فقهی با حالتی که شخص آگاهانه و بدون قصد عمل قول داده، متفاوت است. در احکام یادشده، عذرهایی مانند بیماری، فراموشی غیرمقصرانه و دشواری فوق العاده از مواردی هستند که می توانند در حکم خلف وعده اثر بگذارند. بنابراین، وفاداری به عهد به معنای نادیده گرفتن واقعیت ها یا اصرار غیرمنطقی بر اجرای تعهد در هر شرایطی نیست؛ بلکه به معنای جدی گرفتن قول، تلاش برای انجام آن و برخورد صادقانه با موانع است.

اهمیت وفای به عهد در اقتصاد

در زندگی اقتصادی، اهمیت وفای به عهد آشکارتر می شود. فروشنده ای که موعد تحویل کالا را اعلام می کند، پیمانکاری که اجرای پروژه ای را می پذیرد، کارفرمایی که درباره پرداخت دستمزد توافق می کند و فردی که بازپرداخت بدهی را وعده می دهد، با تصمیم های خود بر برنامه ریزی دیگران اثر می گذارند. اگر تعهدها بدون توضیح و دلیل موجه نقض شوند، هزینه آن ممکن است به طرف مقابل منتقل شود. برای مثال، تأخیر غیرموجه در تحویل کالای خریداری شده می تواند برنامه خریدار را مختل کند؛ پرداخت نکردن دستمزد در موعد مقرر ممکن است توانایی کارگر برای تأمین هزینه های زندگی را کاهش دهد؛ و خلف وعده در بازپرداخت قرض می تواند فرد طلبکار را با مشکل مالی مواجه کند.

در این موارد، موضوع تنها اخلاق شخصی نیست. اگر تعهد در قالب قرارداد معتبر یا شرط الزام آور شکل گرفته باشد، آثار حقوقی آن نیز مطرح می شود. باید میان وعده ای که صرفاً جنبه اخلاقی دارد و تعهدی که به موجب قرارداد یا قانون الزام آور شده است،

تفاوت گذاشت. همچنین نقض تعهد ممکن است در شرایطی موجب تضییع حق مالی دیگری شود؛ در چنین حالتی، صرف پشیمانی یا عذرخواهی لزوماً مسئولیت مالی را از بین نمی برد. نوع قرارداد، مفاد توافق، علت نقض و میزان خسارت باید جداگانه بررسی شوند. از این رو، وفای به عهد در معاملات و روابط کاری هم جنبه اخلاقی دارد و هم می تواند با تکالیف حقوقی مشخص همراه باشد.

در روابط اجتماعی نیز وفای به عهد از عوامل شکل گیری اعتماد است. همکاری های داوطلبانه، فعالیت های خیریه، کارهای گروهی و مسئولیت های اجتماعی اغلب بر قول ها و تعهدهایی استوارند که ممکن است همه آنها در قالب قرارداد رسمی نوشته نشده باشند. اگر افراد بارها قول بدهند و بدون توضیح از انجام آن سر باز زنند، دیگران به تدریج در پذیرش مسئولیت های مشترک تردید می کنند. در نتیجه، هزینه هماهنگی افزایش می یابد و انجام کارهایی که به همکاری چند نفر نیاز دارند دشوارتر می شود. در مقابل، فردی که درباره توانایی و محدودیت های خود صادقانه صحبت می کند و فقط به اندازه امکانش تعهد می پذیرد، زمینه اعتماد پایدارتر را فراهم می سازد.

این نکته به مسئولیت فرد در زمان وعده دادن مربوط است. وفای به عهد فقط از لحظه ای آغاز نمی شود که موعد انجام کار فرا می رسد؛ بلکه پیش از آن، در سنجش توانایی و تصمیم برای پذیرفتن تعهد شکل می گیرد. کسی که می داند وقت، منابع مالی یا مهارت لازم را ندارد، اما برای جلب رضایت دیگران قول قطعی می دهد، احتمال بدقولی را افزایش می دهد. رفتار مسئولانه آن است که فرد پیش از تعهد، شرایط را ارزیابی کند و در صورت تردید، وعده ای متناسب با توان خود بدهد. اگر نیز بعداً مانعی پدید آمد، بهتر است پیش از آنکه طرف مقابل متضرر شود، او را در جریان قرار دهد و برای حل مسئله راه حلی منصفانه پیشنهاد کند.

وفای به عهد همچنین به معنای اجرای هر قولی در هر شرایطی نیست. اگر موضوع وعده از نظر شرعی حرام باشد، انجام آن به دلیل قول قبلی مجاز نمی شود. در فقه شیعه تصریح شده است که اگر اصل وعده مربوط به کاری حرام باشد، عمل کردن به آن جایز نیست و حتی ممکن است مخالفت با چنین وعده ای واجب باشد. این اصل نشان می دهد که تعهد اخلاقی و اجتماعی در چارچوب احکام و حقوق معتبر معنا پیدا می کند. برای مثال، کسی نمی تواند به استناد وعده قبلی خود را ملزم بداند که در یک اقدام ظالمانه، فریب کاری یا تضییع حق دیگری مشارکت کند. وفاداری به قول، مجوز ارتکاب ظلم نیست.

از سوی دیگر، گاهی فرد با نقض وعده، افزون بر خلف وعده، مرتکب رفتار نادرست دیگری نیز می شود؛ برای مثال، اگر بدقولی موجب آزار ناروا، تحقیر یا تضییع حق شرعی شخص دیگر شود، موضوع فقط حکم عمومی وعده نخواهد بود. در توضیح المسائل جامع، به این نکته اشاره شده است که اگر خلف وعده با عناوین حرام دیگری مانند آزار مؤمن، هتک حیثیت یا تضییع حق شرعی دیگری همراه شود، حکم آن متفاوت خواهد بود. این مسئله به ویژه در روابط خانوادگی، شغلی و مالی اهمیت دارد؛ زیرا گاهی پیامد بدقولی، تنها ناامیدی طرف مقابل نیست، بلکه محروم شدن او از حق یا تحمیل خسارتی واقعی است.

در این میان، عذرخواهی و جبران نیز جایگاه مهمی دارد. اگر فردی به دلیل شرایطی پیش بینی نشده نتواند به تعهد خود عمل کند، توضیح صادقانه وضعیت می تواند از گسترش بی اعتمادی جلوگیری کند. اگر تأخیر یا نقض تعهد خسارتی به دیگری وارد کرده باشد، لازم است مسئولیت آن مطابق قرارداد، قانون و حکم شرعی بررسی شود. البته عذرخواهی به تنهایی همیشه جایگزین جبران خسارت نیست؛ همان طور که هر تأخیر یا ناتوانی نیز لزوماً به معنای قصد فریب نیست. انصاف اقتضا می کند که هم شرایط واقعی فرد متعهد دیده شود و هم حقوق کسی که به وعده او اعتماد کرده است، نادیده نماند.

وفای به عهد در اسلام را باید در پیوند میان صداقت فردی، مسئولیت شرعی و اعتماد اجتماعی فهمید. قرآن کریم انسان را به وفای به پیمان فرا می خواند و منابع فقهی نیز میان وعده معمولی، عهد شرعی و قرارداد الزام آور تفاوت می گذارند. از این رو، نه می توان هر قولی را بدون بررسی شرایط، هم سنگ یک قرارداد لازم دانست و نه می توان وعده دادن را رفتاری بی اهمیت و فاقد مسئولیت تلقی کرد. انسان مسئولانه تعهد می پذیرد، برای انجام آن تلاش می کند، در برابر موانع صادقانه توضیح می دهد و اگر حقی از دیگری تضییع شده باشد، برای جبران آن اقدام می کند. جامعه ای که در آن افراد به قول های خود پایبند باشند، نه تنها از نظر اخلاقی قابل اعتمادتر است، بلکه زمینه همکاری، مبادله اقتصادی و حل اختلافات را نیز با هزینه کمتر فراهم می کند.